

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و هشتم

زمستان ۱۴۰۰

رویکرد روزنامه اختر (۱۲۹۲-۱۳۱۴ق) به دین

با تکیه بر ایده اتحاد اسلامی (پان اسلامیسیم)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۹

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۲/۴

۱ داریوش غلامی

۲ مرتضی دهقان نژاد

۳ علی اکبر جعفری

در آغاز دوره قاجاریه (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق)، مجتهدان ضمن تثبیت نفوذ خود، نقش دین را در تحولات جامعه ملموس تر از پیش کردند. در دوره ناصری (۱۲۴۵-۱۳۱۲ق)، کانون‌هایی از منورالفکران (روشنفکران) ایرانی در خارج از ایران شکل گرفت. آنها سعی داشتند با نشر اطلاعاتی در خصوص تحولات اروپا و عثمانی، زمینه بیداری ایرانیان را فراهم نمایند. روزنامه اختر که توسط برخی از تحول‌خواهان ایرانی در استانبول تأسیس شد، نمونه‌ای از این کانون‌هاست که در چارچوب سیاست اتحاد اسلامی و با هدف پیشگیری از دست‌اندازی‌های اروپایی‌ها و روس‌ها به سرزمین‌های اسلامی، می‌کوشید افکار نو را در پوشش باورهای دینی ارائه دهد.

۱. دکترای تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول: (darus.gh01@gmail.com).

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان: (mdehqannejad@yahoo.com).

۳. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان: (A.jafari2348@yahoo.com).

پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش وصفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این سؤال است که روزنامه اختر انگاره اتحاد اسلامی را دارای چه فوایدی می‌دانست؟ و موانع آن را چگونه ترسیم می‌کرد؟

کلیدواژگان: روزنامه اختر، اتحاد اسلامی، عصر قاجار، روشنفکری ایرانی، استعمار

اروپایی.

مقدمه

در دوره ناصری (۱۲۴۵-۱۳۱۲ق)، با گسترش تعامل ایرانیان با خارج و آشنایی با تحولات اروپا، گروه‌هایی از ایرانیان آگاه به شرایط موجود، تلاش‌هایی را برای آگاه کردن جامعه آغاز کردند. روزنامه، یکی از ابزارهایی بود که برای اشاعه و ترویج افکار تحول‌خواهانه توسط این افراد مورد استفاده قرار می‌گرفت. فشار حکومت ناصری باعث شده بود که در خارج از مرزهای ایران، گروه‌هایی از ایرانیان تحول‌خواه، در راستای نشر افکار تحول‌خواهانه با همدیگر همکاری کنند. روزنامه اختر، در چنین فضایی در استانبول تأسیس شد و مؤسسان آن، هدف خود را بر ترویج مدرنیسم پایه‌گذاری کردند. آنها با آگاهی از توان و نفوذ بسیار قدرتمند دین و به تبع آن، علمای دینی، سعی نمودند تا ایده‌های دریافتی از اروپا را در پوشش دین و با کمک علما در جامعه ایرانی انتشار دهند و زمینه را برای مطالبه‌گری تغییر در بطن جامعه آماده سازند. در دوره مورد بحث، علاوه بر ایران، عثمانی و سایر سرزمین‌های آسیایی نیز میدان رقابت و دست‌اندازی کشورهای اروپایی شده بود. تهدید استقلال ناشی از چنین شرایطی، به شکل‌گیری ایده اتحاد اسلامی منجر شده بود. با توجه به هم‌زمانی تأسیس روزنامه اختر با تجاوز روس‌ها به عثمانی و شکل‌گیری فکر اتحاد اسلامی جهت مقابله با روس‌ها، این روزنامه در چنین زمینه‌ای به تبلیغ ایده اتحاد اسلامی پرداخت. با تقویت چنین ایده‌ای، زمینه جذب حامیان

آن به استانبول فراهم گردید. از آنجا که روزنامه اختر هم‌زمان با شکل‌گیری پان‌اسلامیسم در استانبول فعالیت می‌کرد، بررسی ایده اتحاد اسلامی بر اساس مندرجات این روزنامه، می‌تواند فایده‌مند باشد.

تاکنون مطالعات و پژوهش‌هایی در معرفی روزنامه اختر انجام شده است. برخی از این آثار، به صورت کلی، به معرفی اختر پرداخته‌اند که می‌توان از کتاب *تاریخ جراید و مجلات ایران* نوشته صدر هاشمی و *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان* و *دیگر پارسی‌نویسان* نوشته ناصرالدین پروین در این خصوص نام برد. در این دو اثر، به معرفی روزنامه اختر، ویژگی‌ها و نویسندگان این روزنامه به همراه سایر مطبوعات دوره ناصری پرداخته شده است. همچنین، در پژوهش‌ها و مقالاتی به صورت تخصصی‌تر، جنبه‌هایی از محتوای روزنامه اختر مورد بررسی قرار گرفته شده است؛ مقالاتی همانند:

- «نقش دولت و مردم در اقتصاد از نگاه اختر»، نوشته عبدالمهدی رجایی که به واکاوی سیاست‌های اقتصادی اختر و رویکرد گردانندگان این روزنامه در خصوص لزوم مشارکت مردم در اقتصاد نظر دارد.

- «رویکرد انتقادی روزنامه اختر به وضعیت زنان جامعه ایران عصر ناصری»، نوشته جلیل پورحسن دارابی، از دیگر مقالاتی است که به بررسی محتوای اختر در خصوص وضعیت زنان دوره ناصری و لزوم تحول و فراهم نمودن زمینه مشارکت زنان در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از نگاه گردانندگان اختر پرداخته است.

- «اندیشه آزادی و اقسام آن از دیدگاه روزنامه اختر»، نوشته مهدی رفعتی‌پناه، از دیگر پژوهش‌هایی است که به طرح اندیشه آزادی و اقسام آن در روزنامه اختر پرداخته و مشخص کرده است که چگونه افکار مدرن، به ویژه آرمان‌های انقلاب فرانسه، بر رویکرد اختر در این خصوص اثرگذار بوده است.

اما مقاله پیش رو، متفاوت از پژوهش‌های ذکرشده، تلاش دارد تا به رویکرد روزنامه اختر به دین و سیاست اتحاد اسلامی بپردازد. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ

به این سؤال است که از منظر روزنامه اختر ایده اتحاد اسلامی دارای چه فوایدی بود؟ و موانع آن را چگونه ترسیم می‌کرد؟

فرض پژوهش، بر این است که روزنامه اختر با تبلیغ ایده اتحاد اسلامی تلاش داشت به حفظ استقلال کشورهای اسلامی، به خصوص ایران، در مقابل قدرت روزافزون غرب اقدام کند. با توجه به اهمیت استقلال سیاسی در تأمین امنیت برای نوسازی و ترقی کشور و همچنین هدف اختر از نوسازی، پرداختن به چنین مبحثی می‌تواند به افزایش آگاهی به وقایع اجتماعی و سیاسی دوره مورد بحث منجر گردد. بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است تا به شیوه توصیفی - تحلیل و بر اساس مندرجات روزنامه اختر به بررسی ایده اتحاد اسلامی بپردازد.

معرفی روزنامه اختر

روزنامه اختر، فعالیت مطبوعاتی خود را از روز پنجشنبه ۱۶ ذی‌الحجه ۱۲۹۲ق در استانبول و به زبان فارسی آغاز کرد.^۱ اختر در نخستین سرمقاله، هدف خود را از انتشار، تقویت انسجام اجتماعی، وحدت افکار، تکمیل لوازم حُسن مناسبات داخلی و خارجی و ملزومات امنیت و آسایش اجزای وطن معرفی می‌کرد.^۲ مدیر مسئولی روزنامه، برعهده محمدطاهر تبریزی بود و میرزا مهدی اختر نیز سردبیری آن را در اختیار داشت.^۳ در نخستین سرمقاله این روزنامه، به علل انتخاب استانبول جهت نشر اشاره شده است. نویسنده ضمن برشمردن فواید روزنامه در ترقی، استانبول را به علت تعاملات آن با ملل غرب و شرق، دارای اهمیت می‌دانست.^۴

۱. محمد صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، ص ۶۱.

۲. اختر، س ۱، ش ۱.

۳. مهدی جعفری خانقاه، دو قرن با مطبوعات فارسی‌زبان چاپ خارج از کشور در قاره آسیا، ج ۱، ص ۳۵.

۴. اختر، س ۱، ش ۱.

اختر، از نشردهندگان ایده اتحاد اسلامی بود. بر این اساس، می‌توان یکی از علل توجه سلطان عثمانی به این روزنامه را در هماهنگی با این سیاست مطلوب سلطان دانست. همچنین، گردانندگان اختر راهکار برون‌رفت از وضعیت موجود و تنها راه مدافعه در مقابل هجوم ویرانگر غربی‌ها را در دریافت صحیح از جایگاه علم و دانش عنوان می‌کردند. علاوه بر این، علم و دانش را علت تمام نیک‌بختی‌ها ذکر کرده و به‌صراحت، اصلاح در وجوه گوناگون جامعه را وابسته به این امر می‌دانستند. اختر در پی آن بود تا با روشن کردن جایگاه دانش در روند ترقی، ذهن ایرانیان را آماده بهره‌برداری مناسب از علوم و فنون روز نماید.^۱

آزادی‌خواهان ایرانی مقیم استانبول، اغلب نویسندگان اختر را تشکیل می‌دادند که به علل گوناگون استانبول را جهت پرورش و نشر ایده‌های نوظهور خود برگزیده بودند. میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله (۱۳۱۲ق)، میرزا حبیب‌دستان (۱۳۱۱ق) و میرزا آقاخان کرمانی (۱۳۱۴ق)، از جمله نویسندگان نام‌آشنای روزنامه اختر بودند.^۲ اختر با ترویج سبک ساده‌نویسی،^۳ در توسعه فرهنگ عمومی جامعه و فراگیر نمودن استفاده از روزنامه، تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشت. اهمیت روزنامه اختر در این نکته قابل دریافت است که خوانندگان آن را اختری مذهب می‌گفتند.^۴ تأثیرگذاری اختر بر افکار عمومی تا جایی بود که سلطان عثمانی عبدالحمید دوم (۱۲۹۳-۱۳۲۷ق) با تأکید بر جایگاه زبان فارسی، در مورد تعطیلی این روزنامه، ابراز تأسف کرده بود.^۵ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. همان، ش ۲.

۲. محمد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات، ص ۳۹.

۳. جلیل پورحسن دارابی، «رویکرد انتقادی روزنامه اختر به وضعیت زنان جامعه ایران در عصر

ناصری»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۱۱، ص ۴۰.

۴. ادوارد براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در مشروطیت، ص ۳۷۹.

۵. رحیم رئیس‌نیا، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۲، ص ۲۸۳.

نقش دین در طرح نوسازی روزنامه اختر

دین را «کهن‌ترین، نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی» معرفی کرده‌اند.^۱ بر این اساس، کارکردهای دین نیز در ابعاد گوناگون جامعه محسوس و دارای نتایج پایداری است. دین، به عنوان یک واقعیت اجتماعی، در دوره قاجارها (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق) نمود عینی پُررنگی داشت. از این رو، در ابعاد اجتماعی، حقوقی، کیفی و آموزشی جامعه تأثیرگذاری ویژه‌ای داشت.^۲ ایران، کشوری با تنوع دینی و مذهبی بود. این حالت، تا جایی است که در برخی موارد، محلات شهرها بر مبنای اختلافات مذهبی تقسیم‌بندی و مرزبندی می‌شدند.^۳ در دوره قاجاریه، علمای اصولی بر علمای اخباری غلبه یافتند و این روند، به قدرت روزافزون علمای اصولی انجامید.^۴ این تحولات، باعث قدرت گرفتن عنصری شد که محصول آن، اقتدار روحانیت شیعه بود و آن، «عنصر عدم حقانیت بی چون و چرای دولت بود.»^۵

در این دوره، نهاد دین به مثابه یک ساختار منظم و سازمانی مؤثر در عرصه اجتماعی عمل می‌کرد. قدرت نفوذ این سازمان، به وابستگی مردم در تعاملات اجتماعی به چنین سازمانی منجر می‌شد؛ امری که برای ساختارسیاسی به وجود نیامده بود.^۶ علما در دوره قاجاریه، از قدرت بسیاری برخوردار بودند؛ به گونه‌ای که به راحتی می‌توانستند حرکت‌های

۱. الیاده میرچا، فرهنگ و دین، ص ۷.

۲. یوشیدا ماساهارو، سفرنامه، ص ۲۰۸.

۳. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۲۱-۲۴.

۴. لطف اله آجدانی، اندیشه‌های سیاسی در عصر مشروطیت ایران، ص ۷.

۵. حامد الگار، دین و دولت در ایران، ص ۲۴.

۶. سعید زاهد، جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران، ص ۱۰۵.

توده‌ای مردم را رهبری و هدایت کنند.^۱ مصادیق چنین وضعیتی را می‌توان در جنگ‌های ایران و روس (۱۲۱۸-۱۲۲۸ق/۱۲۴۱-۱۲۴۳ق)، قتل گریبایدوف (۱۲۴۴ق)، مقابله با واگذاری امتیازاتی همانند رژی (۱۳۰۹ق) و... پیگیری کرد. از جمله علل چنین توانمندی، در ویژگی ایده اجتهاد و نیابت امام غایب(عج) دانسته شده که حتی شاهان را به مقلدان مجتهدان تبدیل می‌کرد.^۲

حضور پُررنگ علما در قشرهای مختلف جامعه قاجاری، باعث شده بود تا این قشر نقش مهمی در مسائل جامعه بر عهده گرفته و «نقش واسطه‌ای بین قشرهای مسلط و توده‌های مردم بازی کنند. از این رو، گروه مهمی در حفظ نظم اجتماعی بودند.»^۳ مندرجات روزنامه اختر، نشان دهنده اهمیت مذهب در عصر ناصری (۱۲۴۵-۱۳۱۲ق) است. این دریافت، واقعیتی بود که مورد توجه گردانندگان اختر بود. «چون طوایف و ملل شرقیه، غالباً مردمان متدین هستند، دیگر ملاحظات را یک سو گذاشته و نخست از جهت دیانت با آنان سخن باید گفت، تا آگاه شوند.»^۴ از دیدگاه اختر، دین موافق با توسعه و ترقی بود.^۵ آنها اختلاف جوامع بشری را نه در مسائل دینی، بلکه در امور مادی جست و جو می‌کردند. تقسیم‌بندی علوم به دو شعبه بزرگ علم ابدان و ادیان و تأکید بر اصل و پایه بودن امور معاش و علم ابدان،^۶ در مقالات اختر جایگاهی برجسته دارد. این واقعیت را باید در هدف اختر که اجرای مدرنیسم بود، دانست.

۱. موسی نجفی و موسی فقیه حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران؛ بررسی مؤلفه‌های دین، حاکمیت، مدنیت و تکوین دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران، ص ۳۷۰.

۲. ویلم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ص ۲۳-۲۴.

۳. احمد اشرف و علی بنوعزیزی، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ص ۵۴.

۴. اختر، س ۳، ش ۴۴.

۵. همان، س ۱، ش ۷.

۶. همان، ش ۹.

از نگاه گردانندگان اختر، دین مبتنی بر این فرض که نظم‌دهنده امور است، زمینه‌ساز مدنیت معرفی می‌شود. بر این اساس، شریعت را حاکم مطلق در عالم مدنیت قلمداد کرده و تأکید داشتند که شریعت دارای جنبه‌های گوناگونی است «که شعبه‌ای از آن، به معاملات تعلق دارد و شعبه دیگر، به عبادات... احکام عبادات اسلام، محدود است و جهات تعلق آن نیز غالباً غیرمتغیر؛ ... ولی مناسبات خارجی و معاملاتی که با دیگران داریم، محسوس و مشاهد است که اختلاف حاصل می‌کند و دقیقه‌به‌دقیقه و آن‌به‌آن تغییر می‌پذیرد.»^۱ این تفسیر از ماهیت دین در مقالات واپسین اختر، مبنای نظری گردانندگان روزنامه در لزوم مدرنیسم و عدم تباین آن با آموزه‌های دینی را دربرمی‌گرفت. علمای دینی، بسیار مورد توجه نویسندگان اختر بودند. «چه واضح است، ترقیات آگاهی در ملک مشرق‌زمین، خاصه در اواسط آسیا، منحصراً بسته به میل و همت بزرگان دین است و رهبران ملت و آئین، یک کلمه اشارت ایشان در نهاد عامه‌ناس به قدر هزار سخن از دیگران اثر تواند بخشید.»^۲ بر این اساس، با تلفیق نظریات خود با باورهای مذهبی و مستند کردن آنها به آیات قرآنی، سعی در همراه کردن روحانیت در ترویج افکار تحول‌خواهانه داشتند. همچنین، در تأثیر علما در ترویج فکر نوسازی از راه تشویق به علم‌آموزی تأکید می‌شد. «[علما] مردم را ترغیب و تشویق به یاد گرفتن هرگونه علوم و فنون نمایند؛ بل اطفال خودشان را و ابنای ملت را بدون فوت وقت، به یادگرفتن زبان خارجه و خواندن کتب آنها وادارند تا در مقام حفظ ملیت و دیانت، قدرتی را مالک شوند و به جهت جهل و نادانی و بی‌اطلاعی، در زیر بار مذلت و خواری ابدی نمانند.»^۳

۱. همان، س ۲، ش ۱۸.

۲. همان، س ۴، ش ۱۵.

۳. همان، س ۱، ش ۴.

روحانیت با توجه به چنین پایگاه اجتماعی، نفوذی بی رقیب در جامعه ایران داشتند. از این حیث، همراهی این طبقه می‌توانست شرط لازم در موفقیت انجام مدرنیسم و ترویج تغییرات لازم در بخش‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باشد. در ابعاد بین‌المللی نیز یکی از راهکارهای اختر برای توسعه و محافظت از استقلال سیاسی کشورهای اسلامی، ایده اتحاد اسلامی بود. در این خصوص نیز نقش روحانیت برجسته دیده شده بود. «در تحصیل این اتفاق، دو چیز لازم است: یکی از آن دو، منوط و مربوط به همت پادشاهان اسلام است و یکی دیگر، موقوف به غیرت و همت مقدسه علمای عظام [است]. آنچه فرض علما می‌باشد، این است که تعصب بی‌جهت را از میان فریقین سنی و شیعه که جز خسران طرفین حاصلی ندارد، با مواظب و پندهای حکیمانه مؤثرانه و تألیف و تصنیف کتاب‌ها که این مقصود بزرگ از آنها حاصل می‌تواند شد، پردازند.»^۱ البته با دقت در مندرجات اختر گاهی نیز به واسطه موانعی که بر سر راه مدرنیسم ایجاد می‌شد، روحانیون مورد سرزنش قرار می‌گرفتند و درک ناقص از واقعیت تعالیم اسلامی را عامل چنین رفتارهایی بیان می‌کردند.^۲

ترویج ایده‌های تفرقه‌افکنانه و متعصبانه،^۳ مخالفت با مظاهر تجدد،^۴ بست‌نشینی در خانه علما،^۵ ترویج باورهای دنیاگريزانه،^۶ بی‌توجهی به امر بهداشت جامعه،^۷ مخالفت با

۱. همان، س ۵، ش ۲۴.

۲. همان، س ۱۵، ش ۳۰.

۳. همان، س ۵، ش ۵۰؛ همان، س ۳، ش ۶۴، همان، ش ۴۴.

۴. همان، س ۱۵، ش ۳۰.

۵. همان، س ۸، ش ۲۰.

۶. همان، س ۲۲، ش ۲۵.

۷. همان، ش ۱۲.

ایجاد نهادهای آموزشی نوین^۱ و بی‌توجهی علما به امور دنیوی و پرداختن صرف به مسائل اخروی،^۲ از جمله مواردی است که به واسطه انجام آن، برخی مواقع علما مورد اعتراض نویسندگان اختر قرار می‌گرفتند. گردانندگان روزنامه اختر ضمن استفاده ابزاری از دین و علمای دینی به واسطه زمینه اجتماعی قوی در جامعه عصر ناصری، علاقه‌مند بودند که دین را به حوزه خصوصی رانده و معادلات اجتماعی را عرفی کنند؛ اما چنین هدفی، با توجه به واقعیت آن روز ایران و جایگاه روحانیت، فرصت اجرایی شدن نداشت. روحانیت شیعه، به دنبال ایجاد تغییرات پیشرو بودند و بر اساس شواهد موجود، در طرح‌های نوسازی ارائه‌شده تقویت‌کننده بودند و این واقعیت، تا جایی بود که حتی با تغییر خط عربی هم موافقت کردند.^۳

مشکلات اتحاد اسلامی از نگاه اختر

از نگاه گردانندگان اختر، پاره‌ای از مشکلات ریشه تاریخی داشتند. اختلافات و تعصبات مذهبی به همراه مشکلات سیاسی موجود در بین حاکمان کشورهای اسلامی، از مهم‌ترین علل ایجاد تفرقه بین مسلمانان بود. «چرا جای دور برویم؛ در زمان خودمان در پایتخت دولت بزرگ می‌نویسد: هر کس کلاه عجم را به سرش بگذارد، نکاح زنش باطل خواهد شد... اکنون مأخذ این سخن چیست؟ وقتی که در میان دولت‌های اسلامی اختلاف و جنگ و نزاع در میان بوده، طائفه‌های از عساکر کلاه‌ها به سر داشته‌اند و مباشرین امور دولت، صلاح وقت را گویا چنان دیده بوده‌اند که یک تعصب مذهبی هم در میان دو طائفه اسلامی بیفتد که همدیگر را خوب مضمحل و پایمال کنند و نسل اسلام را کمتر نمایند و دشمنان را بر خود چیره کنند و بخندانند.»^۴

۱. همان، ش ۴.

۲. همان، س ۱۵، ش ۱.

۳. فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، ص ۳۳۱.

۴. اختر، س ۳، ش ۶۴.

در ادامه، ضمن پرداختن به ریشه تاریخی قزلباش، به تکفیر آنها توسط علمای عثمانی اشاره کرده و همین عامل را باعث قرن‌ها نفاق بین مسلمانان معرفی می‌کند. البته ریشه اختلافات مذهبی، بسی دیرپاتر از مسائل سیاسی بین ایران و عثمانی دانسته شده است. نویسنده با اشاره به اختلافات شیعه و سنی، اختلافات مسلمانان را به صدر اسلام ربط می‌دهد و دلایل ضعف تاریخی مسلمانان را در آن می‌بیند. همچنین، بر این ایده تأکید می‌شود که تداوم اختلافات مذهبی وحدت مسلمانان را با چالش مواجه نموده و با اشاره به زیاده‌خواهی و دخالت‌های اروپایی‌ها در کشورهای اسلامی، خواستار بیداری مسلمانان و وحدت آنها در راستای تقویت قدرت دفاعی مسلمانان در مقابل با هجوم اروپایی‌ها می‌شد. «بعد از آن همه اختلافاتی که در میان اسلامیان به وقوع پیوست و هیئت متحده اسلام را از همدیگر متفرق ساخته، بطوائف‌الملوک قسمت نمود و سایر این‌گونه انقلابات بزرگ، همگی از اختلافات مذاهب ناشی شده است.»^۱ نویسنده اختر با اشاره به چنین مستندات، خواهان تنبه از وضعیت حال شده و می‌نویسد: «در باب شقّ سیاسی اتحاد اسلام هم می‌گوییم هرگاه مسائل انجمن کونفرانس اسلامبول و مجالس کونگره‌های برلین و سایر وضع سیاسی ما را از ملت واحده بودن عالم نصرانیت آگاه نکرده است، باید ترسید که دیگر هیچ بلا و مصائب ما را از خواب غفلت بیدار نخواهد کرد.»^۲

بر اساس مندرجات اختر، پاره‌ای از روزنامه‌های عثمانی عامل تفرقه بودند و با نشر مطالب کذبی، تلاش داشتند روابط ایران و عثمانی را دچار خدشه نمایند. در این خصوص، می‌توان به عنوان نمونه به موارد ذیل اشاره کرد:

– نشر خبر اهدای نشان شیر و خورشید از طرف دولت ایران به حکمران صربستان؛^۳

۱. همان، س ۶، ش ۴۱.

۲. همان، ش ۴۱.

۳. همان، س ۳، ش ۲۳.

- درج خبر توافق ایران و روس برای حمله به عثمانی؛^۱

- انتشار مطالب تفرقه‌افکنانه مذهبی؛^۲

- انتشار مطالب تفرقه‌آفرین توسط روزنامه حوادث.^۳

اختر در مقابل چنین هجمه‌هایی تلاش داشت تا ضمن دفع دروغ‌پردازی‌های این دسته از روزنامه‌ها، مروج سیاست اتحاد اسلامی باشد. اختر با انتشار مطالب تحلیلی، به رفع شایعات می‌پرداخت. همچنین، تکذیبه رسمی سفارت ایران در استانبول را انتشار داد.^۴ گردانندگان اختر خود را در عین حال، ملتزم به دفاع از حقوق ایرانیان می‌دانستند و در اعتراض به مطالب تفرقه‌افکنانه و توهین‌آمیز روزنامه ترجمان حقیقت، این روزنامه را در دایره مطبوعات عثمانی محکوم و مجبور به عذرخواهی نمود.^۵ به رغم تمامی تخریب‌های انجام‌شده، گردانندگان اختر مشی عاقلانه‌ای را پیگیری می‌کردند؛ تا آنجا که پاره‌ای از همین مطبوعات عثمانی، روزنامه اختر را در پیگیری سیاست اتحاد اسلامی، لایق تشویق می‌دانستند.^۶

از دیگر عوامل و اسباب اختلاف در بین مسلمانان، فساد حکام ولایات بود. ناآگاهی، فساد، تعصب و تأثیرپذیری حکام ولایات عثمانی از بیگانگان، در دامن زدن به نفاق و ایجاد اشکال در روابط دو کشور ایران و عثمانی مؤثر بود.^۷ افزون بر این، اختر به معرفی

۱. همان، ش ۲۴.

۲. همان، ش ۲.

۳. همان، س ۷، ش ۹.

۴. همان، س ۳، ش ۳۱.

۵. همان، س ۶، ش ۷.

۶. همان، س ۴، ش ۱۰.

۷. همان، س ۵، ش ۴۵.

گزارش‌های کذب روزنامه‌های عثمانی به باب عالی پرداخته و نقش آنها را در برجسته کردن اختلافات مذهبی مهم تلقی می‌کند. البته اختر از توطئه و نفاق افکنی قدرت‌های استعماری آگاه است و ضمن نام بردن از آنان به عنوان بیگانگان دوست‌نما، نفاق را ابزاری برای رسیدن به منافع کشورهای استعماری می‌داند.^۱

اختر فرآیند اتحاد و وحدت رویه کشورهای اسلامی، به ویژه ایران و عثمانی را در مقابل تهدید غرب تبلیغ می‌کرد. این سیاست، در راستای حفظ استقلال و موجودیت کشورهای اسلامی و فراهم نمودن زمینه ترقی بر اثر تجمیع منابع مسلمانان بود. این سیاست، هرچند پیشینه‌ای طولانی داشت، اما سلطان عبدالحمید آن را به عنوان ابزاری برای حل مشکلات مقطعی خود تلقی می‌نمود و این حقیقت را می‌توان طی سال‌های واپسین در مندرجات اختر دریافت.

در جریان تهاجم روس‌ها، معضلات گسترده اقتصادی برای عثمانی پدید آمد. نویسنده اختر ضمن اشاره به مشکلات مالی عثمانی و اقدام آن کشور برای استقراض از خارج، به تحلیل این امر و چگونگی مواجهه فرانسه و انگلیس با درخواست استقراض عثمانی پرداخت. در ادامه، دلیل سوءاستفاده از مسلمانان را در نفاق آنان دانسته و اتحاد را راهکار برون‌رفت از وضعیت معرفی می‌کرد.^۲ با ایجاد صلح و رفع خطر نظامی روس‌ها، سیاست اتحاد اسلامی سلطان نیز به محاق رفت و دیگر کمتر در اختر به آن پرداخته شد. اختر و نویسندگان آن به سیاست اتحاد اسلام دلبسته بودند؛ اما سلطان آن را راهکاری برای تسلط بر شرایط موجود یافته بود و مبتنی بر چنین واقعیتی است که ایده اتحاد اسلام، عملاً توفیقی نیافت.

۱. همان.

۲. همان، ش ۲۲.

روزنامه اختر و سیاست اتحاد اسلام

انتشار روزنامه اختر هم‌زمان با دوره حکمرانی سلطان عبدالحمید دوم در استانبول، پایتخت عثمانی آغاز شد. با دقت در مندرجات روزنامه اختر، مشخص می‌شود که در دوره مورد بحث، امپراطور عثمانی با گرفتاری‌های متعدد داخلی و خارجی دست‌به‌گریبان بود. شورش ایالات اروپایی عثمانی،^۱ تجاوز نظامی روسیه به عثمانی،^۲ دخالت کشورهای اروپایی در مسائل حاکمیتی عثمانی،^۳ معضلات شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی^۴ و اصلاحات^۵ تحت تأثیر کشورهای اروپایی، از جمله این مواردند. در چنین شرایطی، سلطان عثمانی، راهکار برون‌رفت از این معضلات را در به‌کارگیری سیاست اتحاد اسلامی یا پان‌اسلامی می‌دانست.

می‌توان از روزنامه‌ها به عنوان یکی از مجراهای ارتباطی سلطان با بدنه اجتماعی و سیاسی امت اسلامی یاد کرد. روزنامه اختر تحت تأثیر چنین فضایی، به تبلیغ اندیشه اتحاد اسلام همت گماشت. این روزنامه، خود را مشمول لطف سلطان می‌دانست و می‌توان دلیل آن را در تأثیری که اختر می‌توانست در پیش بردن سیاست پان‌اسلامیسم بر عهده گیرد، به حساب آورد. «به افتخار تمام می‌گوییم که این اخبار نامه پاک از آرایش غرض را [اختر]، که پس از تعطیلی اختیاری سال پیش تر از سر نو آغاز کردیم، به اشارت صریحه و مخصوصه از جانب همایون اعلی‌حضرت اقدس پادشاهی شد... ما از قوم و جنس بحث نداریم، از ایرانی و تورانی و هندی و زنگی سخن نمی‌گوییم، همه در زیر بیرق بسیار بزرگ کلمه حقه جمع باید باشیم. اتفاق و اتحاد و تحصیل ترقیات سیاسی و حفظ وطن و

۱. همان، س ۲، ش ۲۱.

۲. همان، س ۳، ش ۵۷.

۳. همان، س ۲، ش ۳۰.

۴. همان، س ۵، ش ۳۸.

۵. همان، س ۳، ش ۱.

دانستن راه تسلط بیگانگان بر ملک و ملت و خلاصه سخن منحصر کرن عزم ایشان را متحداً و متفقاً بر اینکه اختلافات فروعیه و جزئیه را ملاحظه نکرده، در زیر بیرق کلمه جامعه جمع شده، از این پریشانی خلاص شوند و قوت شرقیه را فعلاً حاصل کرده، سدی محکم برای هجوم‌های ناگهانی غرب و شمال بر ملک و ملت خودشان بکشند.^۱

گردانندگان روزنامه اختر، گرایش به مؤلفه اتحاد اسلامی را در مقابل قدرت فزاینده اروپا، عاملی برای حفظ استقلال و زمینه‌ای برای ترقی کشورهای اسلامی قلمداد می‌کردند.^۲ بر این اساس، از آغازین شماره انتشار یافته، به تعارض‌های موجود واکنش نشان داده و خواستار احترام به حق حاکمیت و استقلال عثمانی شدند. نویسنده اختر در واکنش به مطالبی که در روزنامه تایمز (TIMES)^۳ درج شده بود، با انتشار مقاله‌ای اعتراضی، دخالت کشورهای اروپایی در مسائل حاکمیتی و داخلی عثمانی را محکوم نمود و مورد نکوهش قرار داد.^۴ حوزه انتشار روزنامه اختر علاوه بر استانبول و قلمرو عثمانی، ایران، هند، قفقاز و افغانستان را نیز دربرمی‌گرفت.^۵ از این حیث، روزنامه اختر ظرفیت مناسبی برای انتشار ایده اتحاد اسلامی سلطان محسوب می‌شد. گردانندگان اختر، واقعیت خطر برخاسته از اروپا و تهدیدی را که به این لحاظ متوجه کشورهای اسلامی شده بود، به صورت مکرر گوشزد می‌کردند و راه‌هایی از چنین معضلی را در ترقی و توسعه ملل اسلامی می‌دانستند و برای تقویت توان دفاعی، سیاست اتحاد اسلامی را یک اصل لازم می‌شمردند.

۱. همان، س ۴، ش ۱۲.

۲. همان، س ۶، ش ۴۱.

۳. روزنامه‌ای سراسری در کشور بریتانیاست که از ۱ ژانویه ۱۷۸۵ میلادی در لندن توسط جان والتر شروع به نشر کرد.

۴. اختر، س ۱، ش ۱.

۵. همان، س ۱۷، ش ۱.

در مقاله‌ای نویسنده اختر ضمن تحلیلی جامع از اوضاع سیاسی اروپا و افشاگری در خصوص اهداف دولت‌های نام‌برده، هدف آنها را در مسئله شرق، ناشی از توسعه‌طلبی آنها و رسیدن به منافع مورد نظرشان بیان می‌کند و تأکید دارد که دولت‌هایی همانند انگلستان و فرانسه، به واسطه انسان دوستی یا محض حفاظت از نظم و امنیت جهانی، سد راه روس‌ها نخواهند شد؛ بلکه آنچه موجب ورود دولت‌های نام‌برده در غائله جنگ روس و عثمانی گردیده است، فقط حفظ و توسعه منافع خود است.

در پایان مقاله، نویسنده ضمن واقعی دانستن خطر، مسلمانان را به اتحاد دعوت می‌کند.^۱ بر این اساس، روزنامه اختر تلاش بی‌وقفه‌ای را به ویژه در زمان تهاجم روس‌ها، در راستای تقویت سیاست اتحاد اسلامی به اجرا گذاشت؛ برای نمونه، می‌توان به نشر اخبار جنگ، انتشار تحلیل‌هایی در ارتباط تحولات سیاسی جهانی با مسئله شرق، پیگیری فعالیت‌های دیپلماتیک دولت‌ها در خصوص جنگ روس و عثمانی،^۲ انتشار مأموریت سفرای باب‌عالی به بلاد اسلامی برای روشنگری و کمک گرفتن از امرا و پادشاهان کشورهای اسلامی،^۳ تشویق مسلمانان به جمع‌آوری کمک‌های اقتصادی مردمی و نشر اخبار مربوط به این نوع از کمک‌های نقدی و حتی انسانی،^۴ انتشار اخبار و تحلیل‌هایی

۱. همان، س ۳، ش ۴۵.

۲. همان، ش ۳۱.

۳. همان، ش ۴۵.

۴. همان، ش ۵۴. Stefano، قراردادی بین امپراتوری روسیه و عثمانی بود که در پایان جنگ‌های روسیه و عثمانی در خلال سال‌های ۱۸۷۷-۱۸۷۸م بسته شد. این قرارداد، در ۳ مارس ۱۸۷۸م در سن استفانو (یشیل‌کوی در ترکیه امروزی) که روستایی در باختر استانبول می‌باشد، به وسیله نیکولاس پاولویچ ایگنتیف و الکساندر نلیدوف از سوی امپراتوری روسیه و صفوت پاشا و سعدالله بی از سوی امپراتوری عثمانی بسته شد.

از نشست‌های سیاسی برای صلح،^۱ و ترجمه متن معاهدات استفانو،^۲ برلین^۳ و کنفرانس استانبول^۴ اشاره کرد.

نتیجه

قدرت چشمگیر دین و به تبع آن، علمای دینی در جامعه ایران، باعث شده بود گردانندگان اختر تلاش کنند تا در پوشش مفاهیم دینی و به میدان آوردن علما، ایده‌های تحول‌خواهانه را در ایران انتشار دهند. با تجاوز روس‌ها به عثمانی و اتخاذ سیاست پان‌اسلامیسم توسط سلطان عبدالحمید دوم، روزنامه اختر نیز به تبلیغ این ایده روی آورد. علاوه بر تأثیرگذاری فضای استانبول، سیاست اتحاد اسلامی از این نظر که گامی در جهت تقویت استقلال ایران در مقابل مطامع اروپایی‌ها بود، می‌توانست برای گردانندگان اختر مطلوب باشد. آنها در راستای تقویت ایده اتحاد اسلامی، دو شیوه را برگزیده بودند: نخست آنکه در مقالاتی به معرفی مزایا و لزوم اتحاد اسلامی توجه داشتند و علاوه بر آن، به تشریح مشکلات فراروی عملی شدن ایده اتحاد اسلامی می‌پرداختند. مهم‌ترین مزیت اتحاد اسلامی را در تأمین استقلال کشورهای اسلامی دانسته که در پرتو آن، حفظ منافع و فراهم شدن زمینه ترقی کشورهای اسلامی فراهم می‌شد.

۱. همان، س ۴، ش ۱۱. روزنامه اختر، شکل‌گیری نشست برلین (Berlin) را با دخالت کشورهای اروپایی برای کنترل تهاجم روس‌ها به عثمانی معرفی می‌کند. نتایج و گفت‌وگوهای طرح‌شده، در شماره نام‌برده اختر به صورت مفصل آورده شده است.

۲. همان، ش ۹. روزنامه اختر، معاهده استانبول (Istanbul) را که با دخالت کشورهای اروپایی برای کنترل تهاجم روس‌ها به عثمانی شکل گرفت، توضیح می‌دهد و در شماره نام‌برده، به صورت مفصل به آن پرداخته است.

۳. همان، ش ۲۹.

۴. همان، س ۳، ش ۲.

وجود ریشه‌های تاریخی اختلافات در وجوه مذهبی و سیاسی، ترویج باورهای متعصبانه دینی، اقدامات نابخردانه و بدرفتاری‌های والیان سرحدی عثمانی در مرز ایران و به‌ویژه در عتبات، دسیسه بیگانگان و سطحی‌نگری برخی از مطبوعات عثمانی، از مهم‌ترین موانع اجرایی شدن ایده اتحاد اسلامی بودند که در مقالاتی به آنها پرداخته می‌شد. مندرجات اختر مشخص می‌کند که گردانندگان اختر در تعامل با سیاست اتحاد اسلامی، ضمن تضمین جایگاه خود در عثمانی، در پوشش آن به ترویج لزوم نوسازی و خروج از عقب‌ماندگی برای حفظ استقلال کشور اقدام می‌کردند.



منابع

۱. آبراهامیان، یرواند، ۱۳۸۶، *ایران بین دو انقلاب*، ج ۱۲، تهران، نشر نی.
۲. آجدانی، لطف اله، ۱۳۹۱، *اندیشه‌های سیاسی در عصر مشروطیت ایران*، تهران، نشر علم.
۳. آدمیت، فریدون، ۲۵۳۶، *اندیشه ترقی و حکومت قانون*، ج ۲، تهران، چاپخانه سپهر.
۴. اختر، سال اول، ش: ۱، ۲، ۴، ۷ و ۹.
۵. —، سال دوم، ش: ۱۸، ۲۳ و ۳۰.
۶. —، سال سوم، ش: ۱، ۲، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۴۴، ۴۵، ۵۴، ۵۷ و ۶۴.
۷. —، سال چهارم، ش: ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵ و ۲۹.
۸. —، سال پنجم، ش: ۲۲، ۲۴، ۳۸، ۴۵ و ۵۰.
۹. —، سال ششم، ش ۷ و ۴۱.
۱۰. —، سال هفتم، ش ۹.
۱۱. —، سال هشتم، ش ۲۰.
۱۲. —، سال نهم، ش ۱ و ۳۰.
۱۳. —، سال دهم، ش ۱.
۱۴. —، سال بیست و دوم، ش: ۴، ۱۲ و ۲۵.
۱۵. اشرف، احمد و علی بنوعزیزی، ۱۳۹۳، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، ج ۳، تهران، نیلوفر.
۱۶. الگار، حامد، ۱۳۶۹، *دین و دولت در ایران*، ترجمه: ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران، انتشارات توس.
۱۷. الیاده، میرچا، ۱۳۷۴، *فرهنگ و دین*، هیئت مترجمان، تهران، طرح نو.
۱۸. انتخایی، نادر، ۱۳۹۰، *ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه*، تهران، نگاره آفتاب.
۱۹. براون، ادوارد، ۱۳۷۷، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در مشروطیت*، ترجمه: محمد عباسی، تهران، بی‌نا.

۲۰. بیگدلی، علی و پیروتی، رسول، ۱۳۹۳، «سیاست پان‌اسلامیسم عبدالحمید دوم و کردها»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره دوم، ش ۲، پائیز و زمستان.

۲۱. پورحسن دارابی، جلیل، ۱۳۹۱، «رویکرد انتقادی روزنامه اختر به وضعیت زنان جامعه ایران در عصر ناصری»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۱۱، پائیز و زمستان.

۲۲. تفرشی، مجید، ۱۳۷۲، شیخ‌الرئیس و اندیشه اتحاد اسلام، مجموعه مقالات تاریخ معاصر ایران، کتاب اول، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

۲۳. جعفری خانقاه، مهدی، ۱۳۸۳، دو قرن با مطبوعات فارسی‌زبان چاپ خارج از کشور در قاره آسیا، ج ۱، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.

۲۴. جمالی اسدآبادی، صفات‌الله، ۱۳۴۹، اسناد و مدارک درباره: سید جمال‌الدین اسدآبادی، به اهتمام: سید هادی خسروشاهی، ج ۳، قم، چاپخانه علمیه.

۲۵. جودکی، حجت‌الله، ۱۳۷۴، تاریخ معاصر ایران، مجموعه مقالات، کتاب هفتم، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

۲۶. رحمانیان، داریوش، ۱۳۸۲، تاریخ علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی ایرانیان و مسلمین، تبریز، مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز.

۲۷. رئیس‌نیا، رحیم، ۱۳۷۴، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۲، تهران، ستوده.

۲۸. زاهد، سعید، ۱۳۸۹، جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران، ج ۲، تهران، سروش.

۲۹. زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۸۷، رسایل مشروطیت، ج ۲، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

۳۰. شیخ‌الرئیس قاجار، ابوالحسن میرزا، بی‌تا، اتحاد اسلام، کتابخانه مجلس، شماره ثبت:

۱۲۸۸۳۳

۳۱. صدر هاشمی، محمد، ۱۳۶۳، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۱، اصفهان، بی‌نا.

۳۲. طیبی، سید محمد، ۱۳۸۷، «تکاپوهای سید جمال‌الدین اسدآبادی در پایتخت عثمانی»،

پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، دانشگاه اصفهان، ش ۱۴.

۳۳. فلور، ویلم، ۱۳۶۵، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ج ۲، تهران، انتشارات توس.

۳۴. ماساهارو، یوشیدا، ۱۳۷۳، سفرنامه، ترجمه: هاشم رجبزاده، بی جا، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

۳۵. محیط طباطبایی، محمد، ۱۳۶۶، تاریخ تحلیلی مطبوعات، تهران، بعثت.

۳۶. نجفی، موسی و موسی فقیه حقانی، ۱۳۸۰، تاریخ تحولات سیاسی ایران بررسی مؤلفه‌های دین، حاکمیت، مدنیت و تکوین دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران، ج ۲، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۳۷. نصری، عبدالله، ۱۳۹۰، رویارویی با تجدد، ج ۱، ج ۲، تهران، نشر علم.



